

بیانیه فرقه دموکرات آذربایجان  
به مناسبت ۲۷ مین سالگرد انقلاب ۵۷

## شرایط بغرنج در انتظار چالش های گریز ناپزیر باید بود

انقلاب، دگرگونی بنیادین در ساختار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه می باشد که نتیجه عدم تطبیق خواست و اراده مردم با وضع موجود است. هر انقلابی بعنوان روندی سیاسی- اجتماعی، ضمن داشتن دلایل عینی و ذهنی مشخص و معین که قابل تعریف و تشخیص می باشد، دارای مراحل سه گانه پیشینه، هدف و نتیجه است که با بررسی و تحلیل آن می توان به ماهیت انقلاب پی برد.

انقلاب سال ۱۳۵۷ نیز دارای چنین تعریف و خصوصیتی است، اگر چه مانند انقلاب و قیام های یکصد سال اخیر ایران «نارس» به بار نشست. این انقلاب، پیشینه و ریشه تاریخی دراز مدتی داشت که نقطه آغازین آن نهضت مشروطیت بود. نهضت ضد استبدادی، ضد استعماری و قانونمند طلبی که مسبب آن واپس ماندگی و عدم تطبیق ساختار سیاسی کشور با دگرگونی های اجتماعی و اقتصادی جامعه بود.

انقلاب ۵۷ ریشه در انقلاب و قیام های شکست خورده، به انحراف کشیده شده و به اهداف خود نرسیده ماقبل خود داشت که هدف آن استقلال و آزادی جامعه و کشور از استبداد داخلی و استعمار خارجی بود. اما تاثیر گذاری و ایفای نقش تعیین کننده عوامل خارجی و پیرامون نسبت به دلایل داخلی در کشورهای جهان سومی و از آن جمله کشور ایران که نتایج و درس های تاریخی انقلاب و نهضت های یک قرن اخیر گواه صریح این مدعا است، همچنین پیچیدگی روابط بین المللی بویژه ساختار دو قطبی جهان در زمان وقوع انقلاب ۵۷ موجب گردید تا این انقلاب نیز مانند انقلاب های پیشین، نه تنها روند و سیر طبیعی خود را نیپماید و به نتایج و اهداف مورد نظر دست نیابد، بلکه به نوعی «باز ایستایی تاریخی» در روند طبیعی تحولات جامعه که مسبب رشد و شکوفایی آن است، منجر شود.

اگر چه نه تنها توده مردم، بلکه حتی اکثر گروه های سیاسی انقلاب، هدف و تصور روشن و دقیقی از نوع نظام بعد از انقلاب نداشتند، اما تمامی آنان علاوه بر متفق الرای بودن در ساقط کردن ساختار و نظام استبدادی موجود، همگی برقراری آزادی های دموکراتیک که ضامن علاج دردهای مزمن دیرین، تامین کننده حقوق و آزادی های طبیعی و قانونی توده جامعه و خلق های گوناگون کشور و زمینه ساز راه رشد و شکوفایی جامعه را تشکیل می داد را خواهان بودند.

انقلاب پیروز گردید و اکثریت قریب به اتفاق مردم به «جمهوری اسلامی» به عنوان ساختار سیاسی جدید که به نوعی ریشه در عقاید و باورهای سنتی از یک سو و از سوی دیگر تلاش برای برقراری جامعه ای مترقی و رشد یافته داشت، رای مثبت دادند. اما حکومت جدید تحت لوای دفاع از شعار «استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی» و به نام مبارزه با «ضدانقلاب»، به سرکوب گروه های سیاسی و از میان بردن آزادی های دموکراتیک پرداخت که به بازگشت استبداد دوران قبل از انقلاب انجامید.

این «نتیجه»، بیش از آن که بازتاب تحولات داخلی و روند طبیعی دوران انقلاب باشد، زاییده تحولات در جریان منطقه، ساختار دو قطبی جهان و بهره جویی قدرت های بزرگ از تحولات دوران انقلاب و «شکل دهی» نتیجه مطلوبشان بود، موجب گردید تا انقلاب ۵۷،

برخلاف انقلاب های اجتماعی درون زا که خود را بر واقعیت و تاریخ تحمیل می کنند، خود قربانی واقعیات و تحولات پیرامون شود .

آغاز جنگ تحمیلی، اقدامی دیگر از سوی عوامل خارجی برای تاثیر گذاردن بر تحولات دوران انقلاب بود. اما ادامه آن پس از آزادسازی خرمشهر از سوی حکومت ایران، ضمن بغرنج تر کردن اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور و شهید و معلول شدن هزاران هزار از فرزندان این مرز و بوم، باعث گردید تا هیات حاکمه جمهوری اسلامی فرصتی استثنایی برای تحکیم و تثبیت ارکان حکومت خود بیابند .

دوران هشت ساله «سازندگی» با تمام مشکلات و معضلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اش، دوران پشت سر گذاردن دوره «نقاهت» و «بازیابی» مردم از تحولات انقلاب و جنگ بود که کشمکش و جناح بندی جدید درون حکومتی را نیز در پی داشت. این بازیابی مردم و رقابت درون حکومتی، خود را در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۷۶ که شکل گیری و آغاز دورانی به نام «اصلاحات» بود، بوضوح نشان داد. اما دوران اصلاحات خاتمی نیز که با تضییق و مقاومت شدید جناح مخالف اصلاحات روبرو بود، به این دلیل که ماهیتاً بیش از آنکه منعکس کننده اراده مردم در تحولات سیاسی - اجتماعی جامعه باشد، محصول کشمکش و رقابت میان جناح های درون حکومتی بود، نتوانست برخلاف نام و رسالت اش، در وضع موجود، برآورده کردن خواست و اراده مردم، همچنین در ساختار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی جامعه اصلاحی صورت دهد. بدین ترتیب دوران هشت ساله اصلاحات نیز بدون داشتن نتیجه ای ملموس برای توده مردم به پایان رسید. دورانی که نه تنها بهبودی در اوضاع سیاسی - اجتماعی و تامین خواست و مطالبات مردم بویژه روشنفکران در برقراری آزادی های دموکراتیک بوجود نیاورد، بلکه باعث رویگردانی توده مردم از خواست های سیاسی - اجتماعی و تمرکز بیشتر بر مشکلات عدیده اقتصادی و معیشتی که ریشه در فساد و ساختار سیاسی - اقتصادی کشور دارد، گردید. امری که پیامد آن، با وجود همه قانون شکنی و تخلفات صورت گرفته تاثیر گذار در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ به روی کار آمدن محمود احمدی نژاد با شعار «تامین حقوق مستضعفان» منجر شد .

اما در همین مدت کوتاهی که از ریاست جمهوری احمدی نژاد می گذرد، آنچه مشهود می باشد این است که برخلاف شعارهای دوران انتخابات، نه تنها گامی عملی و بنیادین مثبت در راه رفاه اقتصادی و معیشتی توده مردم برداشته نشده است، بلکه دولت احمدی نژاد با اتخاذ سیاست جدید در عرصه بین المللی و تقابل ایدئولوژیکی با جهان، اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور را بیش از پیش وخیم تر کرده است. روندی که با ادامه آن چالشی غیرقابل گریز را شاهد خواهیم بود .

فرقه دموکرات آذربایجان با توجه به تجربه تاریخی انقلاب های گذشته و ساختار چند ملیتی کشور ایران، بر این باور است که تنها راه دستیابی به جامعه ای مستقل، آزاد و دموکراتیک و مبارزه با ساختار سیاسی موجود، تلاش و همکاری تمامی سازمان و احزاب سیاسی داخل و خارج کشور در راستای تامین و برقراری اصول حقوق بشر و آزادی های دموکراتیک موجود در جوامع رشد یافته می داند که احقاق حق تعیین سرنوشت برای تمام ملت های ساکن کشور جزء لاینفک آن می باشد .

فرقه دموکرات آذربایجان

۲۰ بهمن ماه ۱۳۸۴